**دارک توریسم یا توریسم فاجعه**

**گردآورنده و مترجم: علی اصغر سلحشور (دانشجوی دکتری باستان شناسی، لیسانس مدیریت جهانگردی)**

از نظر استون (Stone 2006) پدیده موسوم به توریسم فجایع (Dark tourism یا *thanatourism)*، از نظر مفهومی پدیده­ای جدید نیست، بلکه از زمان­های کهن و هنگامی که تماشاگران به دیدن نبرد میان دو گلادیاتور که در نهایت یکی کشته می شد، مشغول بودند. بر اساس دیدگاه استون (Stone 2006) این میدان های نبرد گاهی مورد هجوم و حمله شمار زیادی از تماشاگران قرار می گرفت، موردی که امروز هم وقتی که بازدیدکنندگان سایتها و مکانهایی را که بیانگر رنج انسان ها، جنگهای وحشتناک، اعدام­های دسته جمعی، کشتارهای دسته جمعی، سیاه چال­های و موزه­های عبرت و ... را مشاهده می کند، دیده می شود (Bittner, 2011: 148, 149). جاذبه های مرتبط با توریسم فاجعه معمولاً در نقطه ها و مکان­های نزدیک به کشتار، مرگ و مصیبت روی داده، شکل می­گیرد. و هدف اصلی آن ها در ابتدا جذب گردشگر نیست و در واقع این مکان­ها به صورت ناخواسته و غیرتعمدی ایجاد شد­ه اند. در توریسم فاجعه ارتباط نزدیکی میان گردشگر و محصول که در اینجا همان قربانی و به عبارت بهتر حوادث غمبار، تراژیک و مرگ است، وجود دارد که بیشتر با عکس العمل احساسی و عاطفی از سوی بازدیدکننده صورت می گیرد (Niemela, 2010: 12).

اصطلاح دارک توریسم یا توریسم مصیبت یا فجایع نخستین بار توسط فُلی و لنون (Foley & Lennon) در سال 1996 و در مقاله در مجله ی بین المللی و علمی میراث تاریخی و فرهنگی بیان گشت. اما برای نخستین بار رُجک (Rojeck) در سال در سال 1993 در مورد مناطق یا مکان­های سیاه (Black spots) به عنوان جاذبه­های گردشگری صحبت کرد. و در مورد توسعه و رشد جاذبه های مرتبط با مکان­هایی که در آنها قبور قرار دارد و یا مکانی که مردمان زیادی جانشان را از دست داده اند (قبور دسته جمعی) مطالبی را ارائه داد (Minic, 2012: 84). دارک توریسم به معنای سفر به مکانهایی است که در آن روزگاری مرگ، مصیبت و ویرانی اتفاق افتاده است ( Sharpley & Stone, 2009: 9). توریسم فاجعه آمیزه ای چند لایه از میراث گذشته، گردشگری و تراژدی و مصیبت است. چرا مردم به مکان­هایی مسافرت که شاهد مرگ و رنج انسان ها بوده است؟، مکان­هایی که حتی صحبت کردن در مورد آنها بسیار دشوار است. موزه ترور بوداپست مجارستان یک مثال خوب برای توریسم فاجعه به عنوان جاذبه ای گردشگری است و یادمانی است که به یاد اسرا و زندانیانی که توسط نازی­ها در طول جنگ جهانی دوم شکنجه و کشته شدند، به وجود آمد. این موزه که در 24 فوریه 2002 افتتاح گردید و سیستم­های ترور قرن بیستم مجارستان و قربانیانی که برای آزادی مجارستان جان دادند را نشان می دهد. دارک توریسم به عنوان نوع خاصی از تجارت گردشگری هر چند هر نوع گردشگری را جذب نمی کند، ولی نقش مهمی را در تحویل و رساندن اطلاعات گذشته تا حال دارد. بر اساس بررسی های آماری بازدیدکنندگانی که از خانه ترور بوداپست مجارستان دیدن کردند، مهمترین عامل برای جذب آنها به این موزه، آموزش و دریافت اطلاعات در مورد جنگ جهانی دوم بود. انگیزه های آموزشی و احساسی در کنار کسب اطلاع از میراث گذشته، اقناع حس کنجکاوی و نیز جستجو در مورد رویدادهای خاطره انگیز و نوستالژیک مهمترین فاکتورهای جلب گردشگر در حوزه دارک توریسم است (Niemela, 2010: 2).

سایتهایی که در آنها جاذبه­های مرتبط با توریسم فجایع قرار دارند و نیز نمایش و عرضه آنها، معمولاً در تقابل با بدنه­های حکومتی و مدیران قرار می گیرد که به صورت مجموعه­ای پیچیده و غامض از تنگناهای اخلاقی و وجدانی وجود دارد. مشکل بعدی نیز در مورد توسعه و رشد تجاری این نوع توریسم و نیز طبیعت و ویژگی ذاتی میراث فرهنگی و ایدئولوژی سیاسی و عمل به یادآوری و پوشش رسانه­ای آنهاست (Minic, 2012: 85).

گونه شناسی استون از مقاصد و جاذبه­های مرتبط با دارک توریسم:

فاکتورها و عوامل سرگرمی مرتبط با دارک توریسم: سرگرمی هایی هستند که بر سایتهایی تمرکز دارند که مرگ واقعی یا ساختگی و اسطوره ای را تداعی می کنند و یا به نشان دادن رویدادهای مهیج و گاهی ترسناک می پردازند. برای نمونه پارک دراکولا در رومانی که در قلعه­ی قرون وسطایی قرار گرفته است و عمل خون آشامی توسط نجیب زاده ای به نام دراکولا را نشان می دهد.

نمایشگاه ها: تولیداتی را نشان می دهند که در ارتباط با مرگ باشد. که با هدف یادمانی، آموزشی و در برداشتن پیام برای گردشگر شکل گرفته اند. با وجود تنگناهای اخلاقی این نوع توریسم، گاهی نیز با هدف تجاری نیز بر آن تمرکز می شود. این نمایشگاه اغلب دور از مکان واقعی که رویداد اتفاق افتاده است، واقع شده اند و بیشتر با هدف تحریک کردن و برانگیختن تماشاگر برپا می شوند تا نقل کردن و روایت کردن. از جمله نمایشگاه بادی ورلد (Body Worlds) که گفتگوی اخلاقی را در مورد نمایش اجسادی با روشی که پلاستینیشن (Plastination) نامیده می شود و نوعی شیوه ی محافظت از جسد است، ترتیب می دهد و به آموزش کالبد شناسی و فیزیولوژی و آموزش سلامت به بازدیدکنندگان می پردازد (Stone, 2006: 153).

سیاه چال ها: به نمایش مجازات­های زندانهای قدیمی و نیز بازسازی سیستم­های قضایی برای گردشگران از طریق صحنه­پردازی ها و چیدمان صحنه می پردازد. برای نمونه گالری های جاستیس (Justice) در ناتینگهام (Nottingham) در بریتانیا به احیا و بازسازی ساختمان­هایی که در اصل زندان و یا دادگاه بوده اند، پرداخته است. این گالری از گردشگران دعوت می کند که در نوع خاصی از میراثی که از نظر بازاریابی " احساس ترس" نامیده می شود، سهیم شوند (Stone, 2006: 154). در همین مورد سیاه چال لندن یک نمونه تیپیک و موردی ویژه به حساب می آید که زیر نظر گروه سرگرمی ساز مرلین (Merlin) در انگلستان که بعد از گروه دیزنی (Disney) بزرگ ترین واحد سرگرمی ساز در دنیا به حساب می آید، قرار دارد. مرلین دارای 58 واحد و جادذبه ی گردشگری در 12 کشور است که به 33 میلیون گردشگر در سال 2007 خدمات عرضه کرد و در فصل پیک (فصل شلوغ و ماکزیمم گردشگری) خود 13000 کارمند را در استخدام خود داشت. مرلین علاوه بر سیاه چال و زندان لندن، سیاه چالها و زندان های شهرهای یورک (York)، هامبورگ، آمستردام و ادینبورگ را در حیطه ی فعالیت خود دارد که هر زندان به تعریف و نقل داستانی ترسناک از رویدادهایی که در آنها اتفاق افتاده است، می پردازد (Sharpley & Stone, 2009: 170).

قبرستان­ها: این مکان ها نیز مرتبط با جاذبه های توریسم فاجعه یا مصیبت قرار می گیرند. شاید معروف ترین قبرستان در این زمینه، قبرستان پیر لاشای (Pierre Lashais) در پاریس باشد که تقریباً دو میلیون بازدیدکننده در سال دارد. انجمن قبرستان های اصلی و مهم اروپا (ASCE) بر این نکته تاکید دارد که قبرستان به عنوان میراث فرهنگی مهمی تلقی می شوند. مردم در درجه نخست از قبرستان به دلیل احترام به عزیزان از دست رفته و بعد با هدف مطالعه تاریخ محلی دیدن می کنند.

زیارتگاه ها: این مکان­ها خیلی به مکانی که مرگ در آن روی داده است و دوره زمانی کوتاهی که مرگ اتفاق افتاده است، نزدیک هستند. اکثر زیارتگاه ها و اماکن مقدس با هدف جلب گردشگر ایجاد نشده اند و در واقع زیرساخت­های توریستی بسیار کمی دارند. این سایت ها ویژگیِ موقتی دارند و بیشتر با هدف احترام به فردی که مرده است، به زیارت و دیدن آنها می­روند. رسانه­ های گروهی نقش مهمی را در نمایش چنین مکان هایی دارند. از جمله کاخ کنسینگتون (Kensington) که به عنوان مکانی مهم میلیونها گردشگر را به خود جلب می کند. گردشگرانی که برای احترام به ولیعهد انگلیس که در سال 1997 کشته شده، به این مکان سرازیر می شوند (Stone, 2006: 155).

سایت­های مرتبط با جنگ و درگیری: جنگها در مرکزیت تاریخ هستند (یکی از اصلی ترین رویدادها در تاریخ، جنگها است). و در واقع این سایت ها لزوماً محوریت یادمانی و آموزشی دارند. هر چند سایت های مرتبط با خشونت و جنگ پس زمینه بسیار قوی از ایدئولوژی های سیاسی را درپشت سر دارند. اختلاف­هایی در نمایش تاریخ مکان­های جنگی بر اساس فاصله گاهنگارانه و جنگ هایی که فراتر از خاطره و یادبود زندگی، اغلب با دیدگاهی رمانتیک و خیالی به رویداد نگاه می کنند و به همین خاطر در درجه بندی و طبقه بندی توریسم فاجعه در مرحله پایین تر و به اصطلاح روشن تر و نه تیره تر و فاجعه بارتر قرار می گیرد.

اردوگاه های کشتار دسته جمعی و قتل عام همگانی: از نظر استون این نوع از توریسم فاجعه در تیره ترین و فاجعه بارترین درجه و طیف قرار می گیرد. این سایت ها در واقع همان مکان روی دادن قتل و کشتار وحشیانه هستند. و اتفاق دادن آنها بیشترین ارتباط را با ایدئولوژی سیاسی دارند. اردوگاه هایی چون آسشویتس – بیرکِنا (Auschwits – Birkenau) به عنوان نمادی از وحشیگری و شرارت انسانی از یک سو و داستان شکنجه و رنج انسان­های بی گناه از سوی دیگر است (Stone, 2006: 157).

وقتی کشوری از مصیبت و بلا و جنگ خارج می شود، مردم آن کشور تصمیم می گیرند با میراث جنگ و جزء جدایی ناپذیر آن، که همان خرابی و مصیبت است، مواجه شوند. توریسم به عنوان یکی از هزاران عاملی است که این فجایع را به تصویر می کشد و نقش مهمی را در شکل دادن به افکار و ادراک انسان ها ایفا می کند. خرابی ها و فجایعی که در جنگ کمتر از 4 ساله ویتنام با یورش آمریکا صورت گرفت و بازسازی، تصویرسازی و جذب گردشگر برای بازدید از این فجایع نوعی توریسم فجایع محسوب می شود. وقتی که جنگ ویتنام به پایان رسید، تاسیسات و موسسه های توریستی زیادی در نواحی مختلف ویتنام ایجاد شد که شامل یادمان هایی در اطراف مکان­های جنگی، قبرستان­هایی به افتخار قربانیان جنگ و تاسیس موزه هایی در نواحی شهری می شد، صرف نظر از اینکه این حرکت از سوی تاجران و یا دولت (یا هر دو) صورت گرفته، ولی توریسم جنگ و فجایع بخش مهم صنعت جهانگردی ویتنام را به خود اختصاص می دهد. مکانهایی که فجایع و جنگ در آنها روی داده است، برای گردشگران این نوع توریسم جنبه ها و پیامدهای جنگ را توصیف می کنند و در مورد رویدادهای مهم و ایفا کنندگان آن نیز توضیح می دهند و اگر این توصیفات و تصویرسازی ها از صحنه های فاجعه و جنگ به درستی بیان شوند، به عنوان بخشی از تاریخی که توسط مصرف کنندگان آن (گردشگران) درک شده، قرار می گیرد (Keyes, 2012: 4, 5).

معنای تجربه توریسم در قالب توریسم فاجعه:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| سایتهای مرتبط با مرگ و شکنجه | سایتهای مرگ و شکنجه | معنای تجربه گردشگر |
| روشن تر (کمتر فاجعه بارتر) | تاریک تر (سیاه تر و یا فاجعه بارتر) | ملاک |
| سرگرمی | آموزش و تعلیم | هدف |
| میراث فرهنگی | سایت یادمانی | مقصود و معنا |
| تجاری | یادبود و یادمانی | رویکرد |
| نمایشی | واقعی | اعتبار و سندیت |
| طولانی تر | کوتاه تر | مقیاس و دامنه از زمان رویداد |
| بیشتر | کمتر | زیرساخت گردشگری |

(Bittner, 2011: 150)

در واقع، توریسم فجایع از زمانی معمول گردید که گردشگران نیازها و علایق جدیدی را پیدا کردند. و از این زمان بود که متصدیان تور و آژانس های جهانگردی سعی کردند که به این نوع خاص از توریسم نیز توجه کنند و عرضه را مطابق خاص مشتریان قرار دهند تا به بازارهای جدید نیز دست یابند. توریسم فاجعه نوع خاصی از گردشگری و توریسم با علایق خاص می باشد. این نوع از توریسم علاقه و انگیزه گردشگران را تحریک و زنده نگاه می دارد. البته شاید دیدن فجایع انسانی به خودی خود جذاب نباشد و شاید نتوان به آنها جاذبه گردشگری گفت، ولی وقتی در خلال دیدن این فجایع، خود گردشگر متاثر می شود و در مورد جنگ، کشتارها و وقایع مصیبت بار می­شوند و راهنمایی می شود، شاید از تکرار این فجایع و مصیبتها به نوعی جلوگیری شود و ما به عنوان کسی که به نقد این نوع توریسم می پردازیم، نباید صرفاً جنبه­های منفی و یا سودآور آن را در نظر بگیریم، بدون شک غم و تیرگی به هیچ وجه حال ما را خوب نمی کند، ولی عبرت از رفتار ناپسند گذشتگان، قدرت طلبان و منفعت طلبان تاریخ که این بلایا ، تیرگی ها و پلشتی ها را رقم زده اند و نمود آن را در قالب قلعه ها، کاخ­ها، زندان­ها و یا قبور دسته جمعی، زیارتگاه­ها و غیره خود می توان دید، راهی نو برای ما و آیندگان ما رقم می زند که حداقل از تکرار این وقایع تاریک در حال و آینده جلوگیری کنیم. می توان گفت که توریسم فاجعه مانند شمشیری دو لبه است که جنبه های مثبت و منفی زیادی را با خود به همراه دارد.

**منابع:**

Stone, P. (2006) A dark tourism spectrum: Towards a typology of death and macabre related tourist sites, attractions and exhibitions. *Tourism: An Interdisciplinary International Journal 54* (2), 145–160.

Sharpley R. & Stone P.R. (eds.) (2009): *The Darker Side of Travel: The Theory and Practice of Dark Tourism*. Aspects of Tourism Series, Channel View Publications, Bristol, Buffalo, Toronto

Bittner, Marijana, (2011), " Dark tourism: Evaluation visitors experience after visiting thanatological tourist attractions", turizam, Vol. 15, Issue. 4: 148 – 158.

Nimela, Tatta, (2010), " Motivation factors in dark tourism: Case: house of terror", Lahti University of Applied Sciences, Degree Programme in Tourism and Hospitality Management

Keyes, Max, (2012), "War tourism: Sgaping memory and perception in post war Vietnam", university of Puget sound, Department of Comparative Sociology.

Minic, Natali, (2012),"DEVELOPMEN O „DARK“ TOURISM IN TheCONTEMPORARY SOCIETY" , J. Geogr. Inst. Cvihic. 62(3).